

سیاره‌های شدن در تئوری و در عمل

دکتر گوئل کهن - دکتر علی محمدی

(دانشگاه تهران، دانشگاه لندن) - (دانشگاه ناتینگهام)

است. از این رو، میزان وابستگی و ارتباطات "درون دولتی" (۹) در بطن جهان اقتصادی به شدت افزایش یافته است. فرایند سیاره‌ای شدن تاکنون موجب خلق پدیده‌ای شده که در نوع خود بی نظیر و بی سابقه است. اما با وجود این، ذات بنیادین یا جوهر عملیات سرمایه‌داری را تغییر نداده است؛ چندان که حتی نتوانسته هیچ گونه کمکی نیز

یک پارچگی سیاره زمین و یا به طور کلی «سیاره‌ای شدن»، نتیجه "قانون‌زدایی بازار" (۱) و تلفیق "تکنولوژی اطلاعاتی" (۲) در نظام بازرگانی، تنویر افکار و نظام ارتباطات اجتماعی و رسانه‌های همگانی (۳)، مخابرات (۴) و ارتباط از راه دور است. بر پایه تعریفی که "میتل من" (۵) ارائه می‌دهد و سیاره‌ای شدن یک پدیده جهان شمول است که در نتیجه تعامل (۶)

به طور کلی، سیاره‌ای شدن امکان انتخاب بیشتر را برای مردم فراهم می‌سازد و فرصت‌های شغلی بیشتری را ایجاد می‌کند و افزون بر این، امکانات و توانمندی را افزایش می‌دهد. در عین حال، سیاره‌ای شدن، مردم را با تنوع فرهنگی جهانی بیش از پیش آشنا می‌سازد. این در حالی است که میلیون‌ها نفر در سراسر جهان، تجربه سیاره‌ای شدن را برخلاف آنچه برخی معتقدند نتیجه نوگرایی نمی‌پندارند و آن را به عنوان عامل پیشرفت تلقی نمی‌کنند.

فرایندهای (۷) متفاوت فراملیتی (۸) و ساختارهای محلی یا ملی پدید می‌آید و نفوذ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک یک کشور به کشور دیگر را سهولت می‌بخشد. به بیان ساده، سیاره‌ای شدن را می‌توان نوعی زنجیره ارتباطی

به عوامل بنیادی صلح و رستگاری جهانی بکند. (۱۰)
یکی از مسایل عمده در کشورهای روبه رشد و به ویژه در ممالک اسلامی، چگونگی برخورد با پدیده سیاره‌ای شدن و راه کارهای تلفیق هماهنگ در روند سیاره‌ای شدن و بهره‌مندی از منافع ناشی از این تلفیق است. این معضل زمانی بیشتر مطرح می‌شود که کمبود یا عدم وجود امکانات بنیادی یا فراساختاری (۱۱) در این کشورها را نیز در نظر بگیریم. بدین ترتیب، چنانچه تغییر و تحولات ناشی از شرایط نوین جهانی به صورت مستمر و مرحله به مرحله در چارچوب نظام‌های کنونی این کشورها انجام نگیرد، چه بسا هر یک با توقف فرایند توسعه ملی مواجه

دانست که از طریق سازماندهی مجدد تولید، در جهت جهانی کردن تجارت و تلفیق با بازارهای مالی در سراسر کره زمین شکل می‌گیرد. بدین ترتیب، سیاره‌ای شدن بیشتر مبتنی بر ماهیت بازار و نظام بازار است و نباید آن را مبتنی بر فرایند سیاست‌گذاری جهت‌دار به شمار آورد. در واقع، هر یک از جنبه‌های زندگی در قرن بیستم به نوبه خود، تحولات سریع و شگرفی را به ارمغان آورده است. فرایند کنونی سیاره‌ای شدن موجب گسترش جغرافیایی دامنه فعالیت‌های اقتصادی به طور عام شده و به طور خاص، فعالیت‌های پراکنده مالی بین‌المللی را نیز به همدیگر مرتبط ساخته و آنها را به گونه‌ای یک پارچه کرده

ایدئولوژیک در اقتصاد سیاسی بین‌المللی نمایان‌تر شده است.

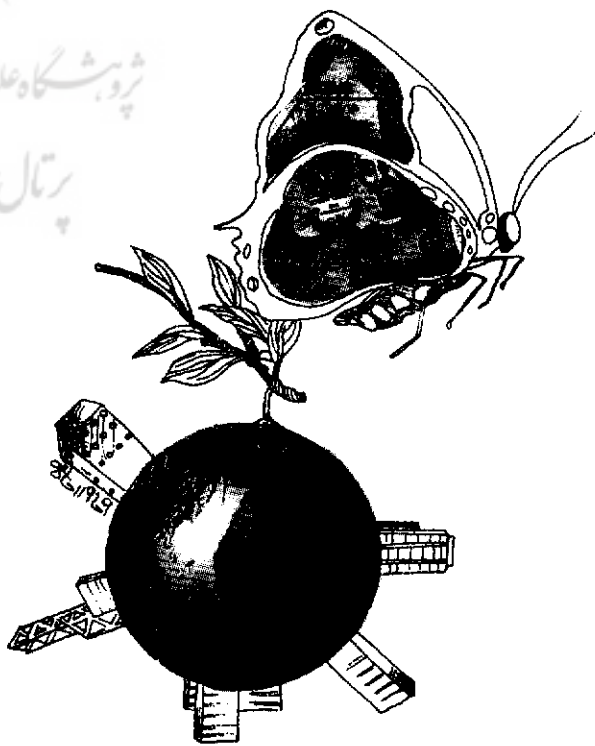
از سوی دیگر، نیروهای محافظه‌کار در آمریکای شمالی و در اروپای غربی افکار عمومی^(۱۶) را از طریق کنترل بخش عمده‌ای از رسانه‌های همگانی آماده کردند تا بتوانند قانون زدایی بازار را به خاطر دستیابی به جریان آزاد سرمایه (همانند جریان آزاد پیام) امکان‌پذیر سازند. به همین ترتیب، با حذف محدودیت‌های دولتی برای حمایت مالی سیاره‌ای و نیز حمایت از مکانیزم^(۱۷) نهادهای مالی بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی زمینه را برای شکل‌گیری فرایند سیاره‌ای شدن فراهم نمودند.^(۱۸)

براساس آنچه مارشال مک‌لوهان^(۱۹) در دهه ۱۹۶۰ میلادی در زمینه یکپارچگی کره زمین یا دهکده جهانی مطرح ساخت، انسان در شرایطی قرار گرفته است که گویی در دهکده‌ای به وسعت زمین زندگی می‌کند. ارزش‌ها و برداشت‌های موجود در این دهکده به دوره تاریخی "دوران اولیه"^(۲۰) برمی‌گردد. بدین ترتیب، انسان در آستانه هزاره سوم میلادی به گونه‌ای فزاینده با تلفیق و یک‌پارچگی ملی - فرهنگی مواجه است. هر چند می‌توان گفت این مجموعه شرایط، پدیده‌ای جدید نیست و انسان همواره در طول تاریخ در برخورد و هم‌گرایی فرهنگی قرار داشته است، اما در حال حاضر، پدیده سیاره‌ای شدن - به علت سرعت و شدت تغییرات^(۲۱) - با آن روند سنتی تلفیق فرهنگی، متفاوت است. فرایند کنونی سیاره‌ای شدن ناشی از نوعی پیوند خاص^(۲۲) است که به طور کلی از قانونمندی متفاوتی تبعیت می‌کند.

در حال حاضر، ما قادر نیستیم تأثیر ارتباطات سریع و آنی^(۲۳) بر مرزهای جغرافیایی ملی، فرهنگ، سیاست، اقتصاد، پول، محیط‌زیست، فضای روانی و اجتماعی انسان را دریابیم. پیش از هر چیز، عمر پدیده ارتباطات آنی یا سریع، آن چنان طولانی نیست که بتوان این اثرات را اندازه گرفت و سنجید. اما یک موضوع برای همه به روشنی قابل مشاهده و آشکار است: پیامدهای ناشی از تحولات سریع پدید آمده در آخرین سال قرن بیستم در نتیجه فرایند "نوبن‌گرایی"^(۲۴)، باعث بی‌ثباتی و ناپایداری شده است. اگر چه سیاره‌ای شدن به معنای ایجاد زمینه و گسترش "امکان دسترسی" است، اما نکته این است که به

شوند. این وضعیت، در نهایت، باعث ناپایداری سیاسی^(۲۲) و بروز تنش‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی شده و عدم تعادل اقتصادی را در هر یک از این کشورها پدید می‌آورد. به عنوان مثال، اندونزی در راه پیوستن سریع به پدیده سیاره‌ای شدن اقتصادی، ناکام ماند و نتوانست براساس خط‌مشی‌های ارائه شده توسط بانک جهانی^(۲۳) و صندوق بین‌المللی پول^(۲۴) این فرایند را با موفقیت طی کند. از این رو، ساختار اقتصادی آن کشور به سرعت متلاشی شد و در آستانه قرن بیست‌ویکم، به عنوان نمونه ناموفقی از یک کشور در حال توسعه معرفی شد.

به طور کلی، با آغاز دهه ۱۹۸۰ میلادی رفته رفته زمینه‌های فرایند سیاره‌ای شدن شکل گرفت. بی‌تردید و با توجه به این روند باید اذعان داشت که بدون بررسی دقیق و شناخت واقعی وظایف صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، درک و ارائه تعریف درستی از فرایند سیاره‌ای شدن و اثرات آن ناممکن است. زیرا این دو نهاد مهم پولی و مالی جهانی نقش عمده‌ای در تبدیل نحوه جریان انتقال سرمایه از حالت سنتی به صورت یک نظام "سیاره‌ای سرمایه"^(۲۵) داشته‌اند. این نقش، به ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان رقیب



نوبه خود، شکاف موجود میان ثروتمندان (کشورهای صنعتی) و فقرا (کشورهای در حال توسعه) را نیز افزایش می‌دهد. دامنه این واگرایی، در برگیرنده انواع شکاف هاست مانند شکاف تکنولوژیکی، شکاف ارتباطاتی (سطح و متن رسانه‌های همگانی)، شکاف سیاسی و مردم‌سالاری^(۲۵)، شکاف توان مالی و سایر شکاف‌های اجتماعی.

به طور کلی، سیاره‌ای شدن امکان انتخاب بیشتر را برای مردم فراهم می‌سازد و فرصت‌های شغلی بیشتری را ایجاد می‌کند و افزون بر این، امکانات و توانمندی را افزایش می‌دهد. در عین حال، سیاره‌ای شدن، مردم را با تنوع فرهنگی جهانی بیش از پیش آشنا می‌سازد. این در حالی است که میلیون‌ها نفر در سراسر جهان، تجربه سیاره‌ای شدن را.

برخلاف آنچه برخی معتقدند نتیجه نوگرایی نمی‌پندارند و آن را به عنوان عامل پیشرفت تلقی نمی‌کنند. براساس این نگرش، سیاره‌ای شدن به عنوان نیروی ویرانگر و مخزل

محسوب می‌شود که به صورت نوعی گردباد می‌تواند زندگی بسیاری را نابود کرده و حرفه‌ها و سنت‌ها را در هم شکند.

از سوی دیگر، برخی نیز بر این عقیده‌اند که باید این فرایند را متوقف نمود و به این تصوراتی که موجب پدید آمدن ملی‌گرایان^(۲۶) و بنیادگرایی^(۲۷) و سایر "ایسم‌ها" می‌شود، دل نیست. زیرا رشد فزاینده و سریع بازار، ضمن این که برای گروهی از جوامع، فرصت‌های بزرگی را به وجود می‌آورد، در همان حال، موجب حرمان و فقر بسیاری از مردم ملل در حال توسعه نیز خواهد شد. بدین ترتیب، پدیده سیاره‌ای شدن شباهت زیادی به غرب‌گرایی^(۲۸) دارد که بر مبنای فرایند استعمارگرایی^(۲۹) پدید آمد. البته باید توجه داشت روند استعمارزدایی^(۳۰) که معمار فرایند غرب‌گرایی بود ناگهان به اشتباهات خود پی برده است. در شرایط کنونی می‌توان گفت نژاد اروپایی^(۳۱) (استعمار غربی) از صفحه خارج شده است و

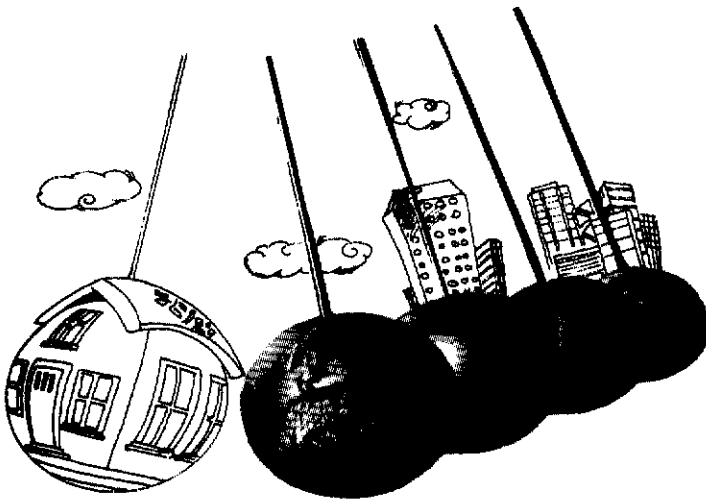
علوم و تکنولوژی و توسعه (استعمار نو) جای آن را گرفته است. در خلال سه دهه پایانی قرن بیستم، به تدریج تحولاتی در اقتصاد سیاره‌ای پدید آمد که موجب پیدایش مرحله جدیدی از سرمایه‌داری یعنی "سیاره‌ای شدن بازار، تجارت و کار" شد^(۳۲). بدین ترتیب، سیاره‌ای شدن به عنوان یک "مفهوم" به "انباشتگی"^(۳۳) و در عین حال به "فشرده‌گی"^(۳۴) ارتباط پیدا می‌کند. پدیده انباشتگی - فشرده‌گی، به نوبه خود، نیاز به مجموعه‌ای از ساز و کارهای (مکانیزم‌ها) توسعه دارد که کلیت جهان را در بر می‌گیرد. از این رو، می‌توان گفت "توسعه" در چارچوب حکومت نوین^(۳۵) یا پیشرفته، از ابتدا مبتنی بر مجموعه‌ای کنترل شده از بازتاب‌ها و روابطی است که میان حکومت‌ها وجود دارد.^(۳۶) بر این پایه، سیاره‌ای شدن،

یک فرایند تغییر و تحول تاریخی است که در واقع می‌توان آن را به مثابه متبلور شدن کل جهان به عنوان یک مکان مفرد (و نه جمع) در نظر گرفت که موجبات پیدایش شرایط مناسب برای

خصوصی‌سازی اجباری و رفع محدودیت‌های قانونی و همین برنامه‌های تعدیل ساختاری را باید در زمره سایر عوامل بنیادی در پیشبرد روند سیاره‌ای شدن به شمار آورد. این خط‌مشی‌ها بر پایه توصیه‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی موجب عدم ثبات سیاسی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه شده است.

"انسان سیاره‌ای" در آن فراهم آمده است - انسانی که متعلق به یک ناحیه یا یک کشور نیست.

هم چنان که پیش‌تر اشاره شد، سیاره‌ای شدن در خلال بیست سال گذشته، با سرعت هر چه بیشتر به سوی جهان نامطمئن به پیش رفته است. شواهد موجود نشان می‌دهد که پس از دوران جنگ جهانی دوم فرایند سیاره‌ای شدن با افزایش روند بازسازی اقتصاد جهانی سرمایه‌داری وارد مرحله تازه‌ای شده است. به بیان ساده‌تر، کشمکش کنونی سیاره‌ای شدن را باید یک "آغاز مجدد" برای روش‌های گذشته به شمار آورد که با وقوع جنگ جهانی یکم قطع شده بود و در نتیجه آن، رکود فراگیر آخرین سال‌های دهه ۱۹۲۰ میلادی پدید آمده بود. ایجاد سازمان تجارت و تعرفه جهانی (گات)^(۳۷) کمی پس از پایان جنگ جهانی دوم را باید اقدام تعیین‌کننده‌ای در این زمینه به شمار آورد. هدف از نهادینه کردن این سازمان این بود که با مذاکره بتوان به کاهش تعرفه‌ها و رفع موانع تجاری دست یافت که



بدین ترتیب، ملت‌ها آن چنان در این بازار مستحیل می‌شوند که برگشت از آن با توجه به قدرت تکنولوژیک ناممکن می‌نماید. بخش کوچکی از جهان سیاره‌ای که حدود ۱۵ درصد از کره زمین را در برمی‌گیرد (ممالک صنعتی)، کل تکنولوژی جهان را در سطح بسیار نوآورانه عرضه می‌کنند. بخش دوم کره زمین که در برگیرنده نیمی از جمعیت جهان است (ممالک عقب مانده یا در حال توسعه) به عنوان مصرف کننده فقط می‌تواند این تکنولوژی را در نظام تولید و مصرف خود مورد استفاده قرار دهد. باقی مانده جمعیت زمین که حدود یک سوم مردم جهان را در بر می‌گیرد، از این تکنولوژی محروم است، به گونه‌ای که نه قادر است از نوآوری استفاده کند و نه قادر است خود را با این تکنولوژی بیگانه سازگار کند.

البته گرچه تحلیل بالا تا اندازه‌ای درست می‌نماید، اما با این حال، بسیاری از عوامل نقش آفرین را در نظر نمی‌گیرد. باید توجه داشت که در حال حاضر، تکنولوژی با نظام مالی جهانی، تجارت، سیاست و فرهنگ وابستگی تنگاتنگ داشته و در نهایت ایدئولوژی‌های موجود را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. موقعیت کنونی سیاره‌ای شدن جهان بیانگر این واقعیت است که کشورهای صنعتی غربی، هر یک به نوبه خود، انحصارگر این مجموعه تکنولوژی به شمار می‌آیند. آنها در واقع، سیاست سیاره‌ای شدن و هم چنین سازنده و شکننده دولت‌ها و حکومت‌ها در ممالک رو به رشد بوده، فراهم کننده جنگ افزارهای شیمیایی - نظامی (مانند جنگ‌های خانمان‌سوز ایران و عراق و خلیج فارس)، پدیدآورنده کشورهای

این خود به تأسیس سازمان تجارت جهانی^(۳۸) در سال ۱۹۹۵ میلادی منجر شد. در چنین بستری بود که سیاره‌ای شدن توانست نقش دولت را در زمینه تجارت، بازسازی کند. این بازسازی باعث تغییر ابعاد تجارت سیاره‌ای و انتقال آن به اقتصاد محلی^(۳۹) شد. هم چنین قدرت سرمایه‌گذاران بین‌المللی مانند شرکت‌های چند ملیتی^(۴۰) و نهادهای مالی جهانی^(۴۱) نیز افزایش یافت. این بازیگران، رفته رفته شرایط خود را به دولت‌ها تحمیل می‌کنند؛ در صورت عدم تمکین دولت‌ها، قطب‌های سیاره‌ای سرمایه زمین سقوط پول ملی آنها را به وسیله شگردها و پیش‌بینی‌های صوری در تعیین ارزش

ارزهای ملی و پشتوانه‌های خاص پولی در بازار جهانی ارزش می‌سازند. در این مورد، بحران پولی کشورهای خاور دور و نیز بحران سیاسی - اجتماعی در اندونزی را باید به عنوان نمونه نام برد که منجر به سقوط "ژنرال سوهارتو"^(۴۲) در آن کشور شد.

خصوصی‌سازی اجباری و رفع محدودیت‌های قانونی^(۴۳) و هم چنین برنامه‌های تعدیل ساختاری را باید در زمره سایر عوامل بنیادی در پیشبرد روند سیاره‌ای شدن به شمار آورد. این خط مشی‌ها بر پایه توصیه‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی موجب عدم ثبات سیاسی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه شده است. در نتیجه، دولت‌ها قادر نیستند مطابق انتظارات توده‌های مردم وظایف خود را انجام دهند، زیرا این مقامات کنترل یا نظارت بر اقتصاد ملی خود را از دست داده‌اند و بی‌تردید، در غیاب انسجام اقتصادی و نظام فرهنگی، نیروهای داخلی به طور کامل متلاشی شده و چه بسا این نیروهای متلاشی شده، ذات وجودی دولت را مورد تهدید قرار می‌دهد. بنابراین، به همان ترتیب که افراد گوناگون، از عقاید گوناگون برخوردارند، سیاره‌ای شدن نیز دارای ابعاد و زمینه‌های متفاوتی است.

برخی از متفکران نواندیش غربی^(۴۴) معتقدند در شرایط کنونی، جهان به وسیله ایدئولوژی تقسیم نشده است بلکه این تکنولوژی است که تعیین کننده است. زیرا پس از پایان جنگ سرد، آن تقسیم‌بندی قدیمی ایدئولوژی به پایان راه رسید و آنچه که ملت‌ها به آن وابسته بودند تغییر پیدا کرد و تابع بازار سیاره‌ای (جهان شمول) شد.

اروپایی‌ها به کشف راه‌های دریایی برای گسترش منافع مالی و بازرگانی خود و کسب ثروت بیشتر مصمم شدند. در این راه، هند و چین و بسیاری دیگر از کشورهای جهان را زیر سلطه خود در آوردند. پیشگامان این حرکت، کاشفان پرتغالی بودند که ابتدا به قاره آفریقا و آسیا روی آوردند (مانند واسکود و گاما^(۴۷) در سال ۱۴۹۸ میلادی). پس از مدتی هلندی‌ها، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها به این خوان گسترده دست یازیدند و آنچه را اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها کشف کرده بودند به یغما بردند. در این میان، دو عامل اساسی در جهت گسترش قلمروی استعماری مؤثر بود:

- نخست تکامل مکانیزم مالی که دولت‌ها از آن حمایت می‌کردند و به عنوان ذات سرمایه‌داری و کارآفرینی

فرایند سیاره‌های شدن تاکنون موجب خلق پدیده‌ای شده که در نوع خود بی‌نظیر و بی‌سابقه است. اما با وجود این، ذات بنیادین یا جوهر عملیات سرمایه‌داری را تغییر نداده است؛ چندان که حتی نتوانسته هیچ گونه کمکی نیز به عوامل بنیادی صلح و رستگاری جهانی بکند.

اروپایی عاملی زیربنایی محسوب می‌شود؛

- دوم ارتقای صنعت کشتی‌سازی و توسعه مهارت‌های دریانوردی در اروپای آن زمان که موجب تحول و جهش یک باره ارتباطات شد.^(۴۸)

گسترش دامنه استعمارگرایی و کثرت خواهی اروپای غربی در خلال سده میان ۱۷۶۰ تا ۱۸۷۰ میلادی در مقایسه با دوره یک صد ساله پیش از آن دارای تفاوت اساسی بود. به دنبال تحولات ناشی از انقلاب صنعتی و توسعه مستمر روند صنعتی شدن در کشورهای که به ایجاد و تقویت سیستم امپراتوری خود مشغول بودند، یک جهش استراتژیک در نظام تجاری بین‌المللی و در ممالک استعمارگر پدید آمد. در بطن یا مرکز اروپای زیاده‌طلب، تغییر و تحول عمده تکنولوژیکی در حال تکوین بود. این تحول، باعث ایجاد شکاف فزاینده در میان کشورهای اروپایی (به عنوان پیشگام) و بقیه دنیا (به عنوان مصرف کننده یا مستمره) شده بود. به عبارت ساده‌تر، عامل تکنولوژی نوین، شکاف موجود در میان دو بخش جهانی را افزایش داد.

کوچک، انشعاب و تفکیک اجباری کشورها (مانند یوگسلاوی و قبرس) و محروم کردن میلیون‌ها کودک عراقی از حداقل مواد ضروری محسوب می‌شوند.

از استعمارگرایی تا سیاره‌ای شدن و یک پارچه‌سازی جهانی به منظور آگاهی و شناخت دقیق از جهان متلاطم کنونی - بویژه کشورهای در حال توسعه - باید پدیده اروپای مدرن در بستر فرآیند استعمارگری مورد توجه قرار گیرد. این فرآیند از قرن پانزدهم میلادی آغاز شد و به اشکال گوناگون تداوم یافت تا آنجا که اکنون به مرحله سیاره‌ای شدن رسیده است.

پدیده سیاره‌ای شدن، دربرگیرنده نیروهای گوناگونی است که جهان را در خلال چند قرن اخیر به شکل امروزی در آورده است. بخش اعظم این نیروها مجموعه

کشورهای در حال توسعه (با عنوان قبلی

«جهان سوم») است که پیش از سقوط

اتحاد جماهیر شوروی، بخش اصلی

جمعیت جهان را در خود جای می‌دهد.

ملل توسعه نیافته یا در حال رشد، به طور

کلی، با نارسایی‌های بسیاری دست به

گریبانند. این بخش عمده از جهان، دارای

مشخصه‌ها و ویژگی‌های مشترکی هستند که از جمله آنها

می‌توان به بحران سیاسی، بی‌ثباتی، بحران اقتصادی

دامنه‌دار، فقر، حکومت‌های غیردموکراتیک، فقدان

عدالت اجتماعی، آموزش واپسمانده، برخوردهای

مسلحانه داخلی، کوتاه بودن امید زندگی^(۴۵) (طول عمر

مورد انتظار)، رشد بی‌رویه جمعیت، بحران هویت

فرهنگی، عدم وجود و یا ضعف نهادهای مردمی، فساد

بی حد و حصر و سراسری، قروض بین‌المللی و کسری

بودجه اشاره کرد.

از سوی دیگر، ملت‌های در حال توسعه از توانایی لازم

برای بهره‌برداری از منابع طبیعی و تخصیص^(۴۶) بهینه آنها

در جهت منافع ملی عاجزند. بدون توجه به منزلت ملی،

این کشورها اغلب در عمل هنوز چارچوبی مستعمره‌ای

داشته و کم و بیش زیر سلطه استعمار امپریالیسم دست و

پا می‌زنند. دامنه این سلطه از ابعاد گسترده و گوناگون

برخوردار است تا جایی که حتی تدوین و القای

ایدئولوژیک در جوامع توسعه نیافته را در برمی‌گیرد.

به طور کلی معضل استعمار زمانی آغاز شد که

تلگراف در مسیر ایران تنظیم شده بود. بر این پایه بود که منابع، زمینه‌های بازرگانی و گسترش معاملات موجب شد تا ضرورت حساس ارتباطات بیش از پیش آشکار شود. در واقع، هزینه ایجاد خطوط تلگرافی توسط خزانه ایران (و نه منابع مالی خارجی) تأمین می‌شد و این در حالی بود که مبنای سیاست کلی در کشورهای مستعمره و نیمه‌مستعمره بر ضرورت انتقال مواد خام مورد نیاز در اقتصاد تولیدی غرب استوار بود.

پاورقی‌ها:

1. Market deregulation.

۲. مراد سیستم‌های اطلاعاتی مبتنی بر کامپیوتر یا رایانه است (Information Technology). برای آشنایی بیشتر با این مفهوم و زمینه‌های گسترده کاربردی آن - بویژه در کشورهای رو به توسعه - مراجعه کنید به:

- باز مهندسی مدیریت دولتی در کشورهای در حال توسعه، دکتر گوئل کهن، مجله مدیریت دولتی، شماره ۳۷، ۱۳۷۶.

- تکنولوژی اطلاعاتی و توسعه ملی در یک بستر استراتژیک، دکتر گوئل کهن، مجله مدیریت دولتی، شماره‌های ۳۸/۳۹، ۱۳۷۶.

-Kahen, Goel (1996) 'Building a framework for successful Information Technology transfer,' Int.

۳. رسانه‌های همگانی (وسایل ارتباط جمعی) برگردانی است از (Mass Media) که شامل رادیو، تلویزیون، مطبوعات و اینترنت (Internet) است. برای آشنایی بیشتر با نوع خاص ارتباط مبتنی بر این مجموعه از رسانه‌ها مفاهیم اصلی مراجعه کنید به: "مردم داری در ایران: بررسی نظام ارتباط اجتماعی"، دکتر گوئل کهن، انتشارات هلب، تهران، ۱۳۵۸.

4. Telecommunication

5. Mittelman(1997).

6. Interaction.

7. Process.

8. Multinational/Tranational

9. Governmental interdependence

10. Magdoff, H.(1992)

نکته درخور توجه این است که میزان اختلاف موجود میان سطوح تکنولوژی در اروپا و سایر مناطق جهان به اندازه شکاف موجود در آغاز قرن هجدهم به نظر نمی‌رسید. از آن پس، علی‌رغم توزیع تکنولوژی مدرن به وسیله قدرت‌های استعمارگر، شکاف کشورهای صاحب تکنولوژی نوین با دیگر مناطق دنیا هم چنان رو به افزایش نهاد. در واقع، افزون بر برتری جنگ افزارهای نظامی، پیشرفت‌هایی که در تکنولوژی ارتباطات و صنعت حمل و نقل پدید آمده بود، موجب شد تا سلطه قدرت خارجی بر مناطق تحت استعمار انسجام بیشتری یابد. بی‌شک، روش‌های مدیریتی مستعمره‌های انگلیس (مانند هندوستان) داشت. به طور کلی از آغاز ۱۸۷۶ تا ۱۹۱۴ میلادی چند قدرت بزرگ به ترتیب در جهان آن روز وجود داشت:

۱. بریتانیای کبیر

۲. روسیه تزاری

۳. فرانسه

۴. آلمان

۵. ایالات متحده آمریکا

۶. ژاپن

در این میان دومین مجموعه قدرت استعماری نیز وجود داشت که ما از آنها به عنوان کشورهای هم چون بلژیک و هلند یاد می‌کنیم. این قدرت‌ها جهان را بر اساس قدرت نظامی خود و "حوزه نفوذ" تقسیم کرده بودند. از این گذشته، گروه دیگری از ممالک تحت سلطه نیز وجود داشتند که در زمره نیمه مستعمره محسوب می‌شدند مانند ایران (سرزمین پارس)، عثمانی (ترکیه) و چین. گاهی اوقات کشورهای نیم مستعمره در موقعیت بسیار نامطلوبی قرار می‌گرفتند. رهبران سیاسی آنها چنان چه با پشتوانه قدرت‌های استعمارگر بر سرکار نیامده بودند، به ناگزیر می‌باید دو نقش ایفا کنند: سیاست "یک بام و دو هوا"^(۴۹) یا "ترغیب و تهدید". سیاستی که همواره به نفع قدرت‌های استعماری بود و نه در جهت منافع ملی کشورهای تحت سلطه. مثال بارز این نوع رفتار سیاسی، موقعیت ایران پس از انعقاد قرارداد "رویتر"^(۵۰) در قرن نوزدهم بود^(۵۱) که بیشتر در جهت حفظ منافع دولت انگلستان به منظور کنترل هندوستان از طریق خطوط

34. Intensification
35. Modern state
36. Giddens, A.(1987), "The Nation - state and Violence"
Berkeley: University of California Press.
37. General Agreement on Tariff and Trade(GATT).
38. World Trade Organisation (WTO)
39. اقتصاد ملی، اقتصاد محلی (Domestic Economy)
40. شرکت‌های بزرگ غربی و ژاپنی که شعبات متعددی در اغلب کشورهای رو به رشد دارند در فارسی از آنها به عنوان شرکت‌های فراملیتی نیز یاد می‌شود (Multinational Corporations)
41. Global Financial Institutions
42. ژنرال سوهارتو (Suharto) رئیس جمهور وقت اندونزی
43. بسترسازی قانونی یا قانون‌زدایی در جهت گسترش بازار آزاد در ممالک رو به رشد (Deregulation)
44. به عنوان نمونه مراجعه کنید به:
- Sachs, S.(2000) "Sachs on Globalisation: A New Map of the World", The Weekly Economist, June 24 th.
45. مراد مفهوم "Life Expectancy" است. برای آشنایی بیشتر با این مفهوم و سایر عوامل توسعه‌ای مراجعه کنید به: "شاخص‌شناسی در توسعه پایدار"، تألیف دکتر گوئل کهن، انتشارات مؤسسه پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۷، تهران.
46. Optimum Resource Allocation
47. Vasco deGama
48. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:
- Hart, H.H.(1995) "DaGame", in L.S. Bahr, Collier's Encyclopedia, Vol,J,New York: Collier's.
49. Temptation & Intimidation
50. Reuter
51. برای آگاهی بیشتر در این زمینه مراجعه کنید به کتاب «تاریخ سانسور در مطبوعات ایران»، دکتر گوئل کهن، جلد دوم، انتشارات آگاه، ۱۳۶۱، تهران.
11. امکانات زیربنایی یا فراساختاری (Infrastructure) شامل نظام مخابراتی، شبکه‌های ارتباطات جاده‌ای، الکترونیکی، صنایع سنگین، انرژی، آب و مانند اینهاست.
12. Political instability
13. World Bank
14. International Manetary Fund (IMF)
15. مراد مفهوم "Global capital" است که انتقال سریع و حتی آنی سرمایه از یک نقطه به نقطه دیگر را در پهنه گیتی در بر می‌گیرد.
16. پندار توده یا افکار عمومی (Public opinion)
17. سازوکار یا "Mechanism"
18. Mohammadi.A.(1997)
19. McLuhan, M.(1964)
20. Prelliterate
21. عامل اصلی این تغییرات، تکنولوژی مدرن است.
22. مانند شبکه‌های اینترنت (Internet)
23. Instant communication
24. Modernisation
25. Democracy
26. Nationalism
27. این مفهوم به حرکت‌ها یا رژیم‌های سیاسی مبتنی بر اعتقادات مذهبی و شرایط ابتدایی قرون یا هزاره‌های پیشین اطلاق می‌شود؛ غربیان از آن به عنوان (Fundamentalism) یاد می‌کنند.
28. گرایش مردم کشورهای غیراروپایی و غیرآمریکایی به نحوه زندگی و چارچوب‌های اجتماعی - اقتصادی ممالک غربی و پیشرفته صنعتی؛ برگردانی از اصطلاح انگلیسی "Westerlnsation".
29. Colonialism.
30. Decolonialism.
31. White- man.
32. Featherstone, M.(1998) "Global Culture: An Introduction," in M.Featherstone (ed), Global Culture: Nationalism, Globalisation and Modernity, London: SAG Pub.
33. Compression